

اصلاحات و براندازی نرم



www.ketab.ir



- سرشناسه : حکمت، سپهر، ۱۳۵۸ -
- عنوان و نام پدیدآور: اصلاحات و براندازی / م. حکمت سپهر حکمت.
- مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری: ۱۵۶ ص: ۹۸۴.
- فروست: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۹۸۴.
- شابک: ۷۸۴-۷۸۴-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸-۶۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع: اصلاح طلبی -- ایران
- موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸ -
- موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴
- موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴ -
- شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- رده بندی گنگره: DSR ۱۵۹۱ / الف ۵۱۳۹۴
- رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۵۱۵۱۱



مؤسسه فرهنگی و انتشارات

عنوان: اصلاحات و براندازی نرم

مؤلف: سپهر حیات

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۶۰۰۰ تومان

حروفچینی و لیتوگرافی: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۷۸۴-۰

ISBN 978-964-419-784-0

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبه‌روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴،

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
فصل اول: دوره تکوین و پیدایش این نوآوری اصلاحات (۱۳۶۱-۱۳۶۸)	۲۱
درآمد.....	۲۳
تاکتیک انکار جنگ و خلع سلاح حکومت.....	۲۵
مقابله با بسط ایدئولوژی دینی.....	۲۷
ایجاد شکندگی در معرفت‌شناسی و معرفت دینی.....	۲۸
دامن‌زدن به شکاکیت دینی.....	۲۹
مدل‌سازی وارونه از فرهنگ سیاسی دینی پس از انقلاب.....	۳۰
اسطوره‌پردازی از عقل و آزادی.....	۳۱
هویت‌سازی اغراق‌آمیز از خویش.....	۳۱
نفوذ در اندیشه‌های دینی به منظور جهت‌بخشی.....	۳۲
انکار اسلام ناب.....	۳۳
نقد اندیشه‌ی دینی و تبلیغ نسبیّت‌گرایی اخلاق.....	۳۴

- ۳۶..... تاکتیک تشبیه به ذم
- ۳۸..... چرخش از سنت روشنفکری شریعتی به بازرگان
- ۳۹..... جنگ روانی علیه روحانیت
- ۴۰..... تفرقه افکنی در میان روحانیان
- ۴۱..... تلطیف دشمن
- ۴۲..... پاره‌گویی واقعیت و ترسیم تصویر ناقص از فلسفه‌ی غرب
- ۴۳..... نفی مردم‌سالاری دینی
- ۴۴..... امیدبخشی به آینده‌ی سکولاریستی
- ۴۵..... تدریس زدایی از حکومت دینی
- ۴۷..... ریشه‌گرن؛ رهبران جامعه‌ی مدنی
- ۴۸..... دین‌زدایی از دین
- ۴۹..... بشری خواندن و زن و دین
- ۴۹..... تبدیل علوم غربی به ابزار ایدئولوژیک مبارزاتی
- ۵۰..... نسبت پدرشاهی و الیگارش‌ی نظامی به مردم‌سالاری دینی
- ۵۱..... سیاه‌نمایی از پیوند دین و سیاست
- ۵۱..... ترور تئوریک شخصیت
- ۵۲..... تطهیر حکومت پهلوی
- ۵۳..... فشار بر حکومت برای اجرای «تساهل سیاسی»
- ۵۴..... برخورد دوگانه با قانون اساسی
- ۵۵..... اصلاحات به مثابه استراتژی
- ۵۶..... اقدام علیه پدافند فرهنگی و سیاسی حکومت دینی

فصل دوم: دوران بسط و گسترش (۱۳۸۴-۱۳۷۶).....	۵۹
تاکتیک مصادره به مطلوب.....	۶۳
تاکتیک اهریمن‌سازی.....	۶۵
مشروعیت‌زدایی از رسانه‌های حکومت.....	۶۶
هدف قرار دادن گرانیگاه.....	۶۸
نافرمانی مدنی.....	۶۹
پی‌رزه‌ی عقلانیت و معنویت.....	۷۰
ترویج بنیادگرایی اخلاقی - معنوی.....	۷۱
تفسیر مدرنیستی از اصلاحات.....	۷۲
ترویج اسلام به الی‌تبی با تجددگرایانه.....	۷۳
شکنندگی در حریت ملی.....	۷۵
استحالی جنبش دانش‌جویر منظور مقابله با نظام سیاسی.....	۷۵
تقابل‌سازی جامعه و دولت.....	۷۷
استقبال از جهانی‌شدن سکولاریسم و لیبرالیسم.....	۷۸
«خودی» و «غیرخودی» در ایدئولوژی اصلاحات.....	۷۹
شعار «گذار به دموکراسی»؛ رمز «گذار از جمهوری اسلامی».....	۸۰
دو تاکتیک مهم برای راهبرد اصلاحات.....	۸۱
تلاش برای رهبری طبقه‌ی متوسط جدید.....	۸۱
«عبور از خاتمی» با الگوی «گوریاچفیزاسیون».....	۸۴
هراس‌افکنی برای ایران پس از «ما».....	۸۶
القای حاکمیت دوگانه.....	۸۷
خروج از حاکمیت.....	۸۹
اصلاحات در اصلاحات.....	۹۰

- ۹۱..... جنگ روانی علیه حاشیه‌نشینان ناموافق
- ۹۲..... توجیه و مشروعیت‌بخشی به افراطی‌گری
- ۹۳..... تاکتیک «آرامش فعال»
- ۹۴..... جذب اپوزیسیون برای تقویت جبهه‌ی اصلاحات
- ۹۵..... تلاش برای تغییر سبک زندگی ایرانیان
- ۹۶..... بحران‌نمایی و بزرگ‌نمایی تهدیدات خارجی
- ۹۷..... تشدید تضادها با تظاهر به افشاگری
- ۹۸..... بازی با کلمات؛ نگویید «براندازی» بگویید «جابه‌جایی»
- ۹۹..... جنبش «اصقلابی»
- ۱۰۰..... مبادری جنین‌های خرد اجتماعی
- ۱۰۰..... القای پاره‌ی دوم خرداد به‌عنوان یک «جنبش»
- ۱۰۲..... زیر سؤال بردن گذشته و انکار دستاوردهای انقلاب
- ۱۰۳..... فصل سوم: دوره افول و فرسایش (از ۱۳۶۴ به بعد)
- ۱۰۵..... درآمد
- ۱۰۸..... «جنبش همبستگی»؛ الگویی فراتر از «انقلاب خملی»
- ۱۱۰..... منشور راهبردی و تسخیر ریزبده‌های جاافتاده
- ۱۱۳..... توسل به انقلاب رنگی
- ۱۱۵..... تکمیل بحران‌های اربعه به‌منظور فروپاشی نظام سیاسی
- ۱۱۶..... جنگ مذهب علیه مذهب
- ۱۱۷..... «مبارزه‌ی بی‌خسونت» و تعبیر جین شاری از «نافرمانی مدنی»
- ۱۲۱..... فرافکنی و نسبت کذب
- ۱۲۲..... سیاست سکوت

بزرگ‌نمایی از «حلقه‌ی انحرافی» برای سرپوش گذاشتن بر «جریان	
فتنه».....	۱۲۳
«ایده‌شویی».....	۱۲۳
سیاه‌نمایی علیه دولت اصول‌گرا.....	۱۲۵
براندازی نرم در پروژه‌ای سه مرحله‌ای با هفت لایه.....	۱۲۶
تفسیر شورش ۱۳۸۸ به‌عنوان یک سرمایه‌ی انقلابی.....	۱۲۷
روش «اسب تروا» یا روش انگلی.....	۱۲۸
بحریم انتخابات و شبهه‌افکنی در آمار مشارکت عمومی.....	۱۲۹
راهکارهایی برای «گشایش سیاسی».....	۱۳۱
تبلیغ آزادی.....	۱۳۱
آلزامر ارادی و حکیمک کاذب میان اصلاحات و رادیکالیسم سبز	
.....	۱۳۲
تئوری بازگشت به دوره‌ی پیش از جنبش سبز».....	۱۳۳
تئوری «پارلمان اصلاحات».....	۱۳۴
استراتژی «بازگشت به درون حاکمیت» با تکنیک‌های متفاوت	
انتخاباتی.....	۱۳۵
تقسیم وظایف و سرشکنی مسئولیت‌ها.....	۱۳۶
سخن پایانی.....	۱۳۷
نمایه.....	۱۴۳

مقدمه

نظام برآمده از انقلاب اسلامی ایران از ترکیب «جمهوریت» به مثابه شکل و «اسلامیت» به عنوان محتوا شکل گرفت. اما در دهه‌ی ۱۳۷۰ جریان دیگری در رقابت با این‌ها، فکری انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به وجود آمد که به هیچ وجه در حد بررسی و کنکاش در حقیقت موضوعات و مباحث مطرح شده نبود بلکه طریقی برای مباحث معطوف به اهداف سیاسی و تئوری‌پردازی حول «اصلاحات سیاسی» و «اصلاحات دینی» بود که قصد داشت ارکان نظری جمهوری اسلامی را مورد تردید قرار دهد.

پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ پدیدآورندگان این ایده، برای عنوان «اصلاح طلبی» را بر خود برگزیدند و در صدد برآمدند تا نظرات محافظه‌کارانه بین‌المللی را در قالب «اصلاح طلبی» ارائه نمایند. آنان در پی این بودند تا با یاری علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور باورهای سیاسی و ساختارهای سیاسی جامعه‌ی ایران را دگرگون سازند.

نوشتار حاضر کنکاشی مختصر در مبانی نظری اصلاحات و اقدام و عمل اصلاح‌طلبان است که در سه دوره‌ی پیدایش و تکوین، بسط و گسترش و در نهایت افول آن ساماندهی شده است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای معرفی و نقد این جریان برانداز به

انتشار این اثر اقدام کرده است. در پایان ضمن تقدیر از نویسنده‌ی محترم از تلاش همکاران در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری و انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

www.ketab.ir

پیشگفتا

جوزف نای را مُدِّع اصطلاح «قدرت نرم» می‌دانند که آن را چنین تعریف می‌کند: «قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب «مطلوب» از طریق جاذبه؛ نه از طریق اجبار یا تطایع»^۱ این مفهوم در برابر «قدرت سخت» وضع شده که مهم‌ترین مصادیق آن قدرت نظامی و اقتصادی است و همواره براساس دو اصل تهدید و تطمیع عمل می‌کند. قدرت نرم با قابلیت جذب دیگران و شکل دادن به علایق افراد جامعه بر دو کارکرد تأکید دارد: «هنجاری شدن قدرت و اجتماعی شدن قدرت». یعنی هم در پی جذبات ایدئولوژیک است و هم در پی مشارکت و بسیج جامعه. مقصود از قدرت نرم که جوزف نای آن را در عرصه‌ی بین‌الملل و در کمک به سیاست خارجی ایالات متحده مطرح می‌سازد، تغییر رفتار جامعه از طریق دگرگونی در ذهنیات است. عبارت دیگر، این سطح تحلیل از قدرت نرم را می‌توان با مقوله‌ی «تهاجم فرهنگی» برابر دانست.

اگر قدرت نرم برای نظام سلطه و قدرت‌های بین‌المللی با تغییر فرهنگی جوامع دیگر به‌دست می‌آید، از نگاه جوامع مقابل و از جمله ایران عین

۱. جوزف نای، قدرت نرم؛ ابزارهای موفق در سیاست بین‌الملل، ترجمه‌ی سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹، ص ۲۴.

«تهاجم فرهنگی» است. یعنی آن‌سو «قدرت نرم» می‌بیند و این‌سو «تهاجم فرهنگی». چنانچه وضعیت دو کشور در حالت تقابل باشد، فروپاشی نظام سیاسی کشور مورد تهاجم می‌تواند به‌عنوان هدف مطرح باشد، که در این حین به آن «براندازی نرم» گویند. به عبارت دیگر، براندازی نرم به حالتی از تغییرات اساسی اشاره دارد که در طول فرایند براندازی بر «قدرت نرم» تأکید می‌شود. یعنی با تغییر افکار عمومی و بسیج سیاسی علیه حکومت، جامعه در حیزش یا شورشی که می‌تواند با خشونت همراه شود، قرار می‌گیرد. بر این اساس، پدیده‌هایی مانند انقلاب رنگی و انقلاب مخملی نمونه‌های مهم «جنگ نرم» محسوب می‌شوند که در پی براندازی دولت یا نظام سیاسی هستند.

جنگ نرم هم می‌تواند از سوی کشورهای بیگانه پیگیری شود و هم از طریق گروه‌های مخالف داخلی. البته وجه غالب این است که بخشی از جریان اپوزیسیون در همکاری با دولت، این بیگانه مجری انجام این پروژه شوند. کشورهای بیگانه با فعالان غیربومی به تنهایی نمی‌توانند در اجرای سیاست خود موفق باشند.

جنگ نرم را براساس شکل یا محتوا می‌توان به دو رهیافت متفاوت بررسی کرد: ۱. رهیافت رسانه‌ای؛ ۲. رهیافت ایدئولوژیک. چون قدرت نرم هم به محتوای ایدئولوژیک نیاز دارد و هم به رسانه‌های رایج، پس ایدئولوژی، لذا اغلب این پدیده را با دو رهیافت «ایدئولوژی» و «رسانه» مورد واکاوی قرار دهند.

این نوشتار روایت‌گر فرایند گذار از مرحله‌ی «جنگ نرم» به «براندازی نرم» است و تلاش دارد با «رهیافت ایدئولوژیک»، جنگ نرم جبهه‌ی اصلاحات با حکومت دینی را که در نهایت به انواع تئوری‌های براندازی انجامید، مورد

تحقیق قرار دهد. در این اثر، ایدئولوژی اصلاحات به عنوان یک متغیر مستقل و نه وابسته، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. یعنی جدای از اینکه با دولت‌های بیگانه در ارتباط بوده یا خیر.

نکته‌ی دیگری که در آغاز سخن باید به آن اشاره کرد، ماهیت ایدئولوژی است. ایدئولوژی به لحاظ مبنايي با «قدرت» پیوند مستحکمی دارد و از این جهت که ایدئولوژی‌های سیاسی یکدیگر را برنمی‌تابند در نهایت به مبارزه‌ی ایدئولوژیک منتهی می‌شوند. در طول این مبارزه، ایدئولوژی‌ها نهایتاً در دو جبهه صف‌آرایی می‌کنند و یک مبارزه‌ی ایدئولوژیک دوقطبی شکل می‌گیرد.

مطلب بالا را این‌گونه نیز می‌توان توضیح داد: ایدئولوژی‌ای که توسط یک متن تولید یا بازتولید می‌شود در راه بیشتر ندارد یا پایه‌های قدرت حاکم را تقویت و یا آن را تضعیف می‌کند. این تقویت حتی می‌تواند با نقادی همراه باشد، اما در نهایت مشروعیت قدرت حاکم را در پی دارد. نویسندگان خود بیش از دیگران می‌دانند که ایدئولوژی آنها «قدرت» است یا «بر قدرت».

در فرهنگ سیاسی معاصر ایران مشاهده می‌شود به دلایل گوناگون نویسندگانی که از ایدئولوژی «با قدرت» بهره می‌گیرند، از سوی روشنفکران تخطئه می‌شوند و به جای آن از نویسندگان «بر قدرت» حمایت و تقدیر می‌شود. برخی حتی آنارشیستی سخن می‌گویند و به کل خود را مخالف قدرت می‌دانند. اما نکته‌ی نفوذ و نقض اینجاست که مدت‌هاست در این دیار «قدرت» تنها به «قدرت حاکم» منحصر نمی‌شود و در داخل و خارج این مرزها «قدرت» دیگری هم خودنمایی می‌کند و تلاش دارد بر تحولات و مسائل داخلی ایران تأثیر بگذارد. نام این قدرت را «استعمار» بگذاریم یا هر نامی دیگر، در اصل ماجرا تفاوتی ندارد. به هر حال دست کم در یک سده‌ی اخیر «قدرتی» در مناسبات داخلی ایران نفوذ داشته که تولید

متن و ایدئولوژی با آن قدرت نیز دارای نسبت بوده است. به عبارت دیگر، نویسندگان ایرانی برای داشتن «ایدئولوژی با قدرت» و «ایدئولوژی بر قدرت» اصولاً با دو قدرت مواجه بوده اند: قدرت داخلی و قدرت خارجی. قدرت داخلی همان حکومت ایرانی است و قدرت خارجی همان دولت های غربی هستند که در پی نفوذ در مسائل و منافع ایران هستند. پس از انقلاب اسلامی تمام ایدئولوژی ها و متونی که تولید شده اند هم «بر قدرت» بوده اند و هم «با قدرت». اگر ایدئولوژی ای در سنجش با قدرت داخلی «ایدئولوژی با قدرت» محسوب شده در قیاس با قدرت خارجی «ایدئولوژی بر قدرت» به شمار می آید. از سوی دیگر، اگر ایدئولوژی ای در سنجش با قدرت داخلی «ایدئولوژی بر قدرت» به شمار می آمده در قیاس با قدرت خارجی «ایدئولوژی با قدرت» محسوب می شده است. لذا در سه دهی گذشته، دیگر این «افتخار» از روشنفکران و نیروهای ستولاً سلب شده است که با داشتن «ایدئولوژی بر قدرت» نسبت به قدرت داخلی خود را سروی آزاد بدانند که وابسته به قدرت و حکومت نیستند و آزادانه هر آنچه حقیقت می دانند، می گویند. زیرا آنها در همان لحظه «ایدئولوژی با قدرت خارجی» را ارائه کرده اند. اگر به بسیاری از این فعالان سیاسی و روشنفکران سکولار بنگریم دقیقاً به دلیل داشتن همین موقعیت است که مورد تقدیر قرار گرفتند و از قدرت های خارجی پاداش گرفته اند. از این رو، نهادهای سیاسی و شبه فرهنگی و دولت های غربی مترصد ظهور «ایدئولوژی بر قدرت» داخلی در ایران هستند. آنها در پی این رصد کردن ها در پی تقویت «ایدئولوژی با قدرت» خارجی برآمده اند. قطعاً یکی از دلایل راه اندازی جایزه های ویژه و فستیوال های گوناگون در جهان برای دست یابی به همین مقصود است.

در این اثر تلاش شده است مؤلفه های ایدئولوژی اصلاحات و روش های

مبارزاتی، آن که در مجموع بیش از ۸۵ مؤلفه می‌باشد، به روش استقرایی از میان گفتارها و نوشتارهای اعضای این جبهه - و در طول سه دوره‌ی زمانی متفاوت - احصاء شود. این استقراء یک «استقراء تام» نیست و با مطالعه‌ی بیشتر می‌توان مؤلفه‌ها و ابعاد دیگری به آن افزود و از آنچه هست، کامل‌تر کرد. اما در مجموع ویژگی‌های ذکرشده را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های ایدئولوژی اصلاحات تلقی کرد.

گزاره‌ها، یک ایدئولوژی را می‌توان در چهار محور کلی زیر تقسیم کرد: ۱. «بیان ایدئولوژی خود»، ۲. «نقد ایدئولوژی حاکم»، ۳. «راهکارهای بسط ایدئولوژی خود» و ۴. «راهکارهای مقابله با ایدئولوژی حاکم». لذا تمام مؤلفه‌های استخراج‌شده از ایدئولوژی اصلاحات را باید جزء یکی از این محورهای چهارگانه بدانیم. از سوی دیگر، هر ایدئولوژی سیاسی «بر قدرت» سه دوره‌ی تاریخی متناوب را پشت سر می‌گذارد که عبارت‌اند از: ۱. دوره‌ی تکوین و پیدایش، ۲. دوره‌ی بسط و گسترش، ۳. دوره‌ی افول و فرسایش. در طول این سه دوره، نوع گزاره‌های ایدئولوژیک با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد؛ مثلاً در دوره‌ی نخست، یعنی دوره‌ی تکوین و پیدایش، تعداد گزاره‌های «بیان خود» و «نقد ایدئولوژی حاکم» بر گزاره‌های رهنمونی و راهکارها پیشی دارد. اما در دوره‌ی سوم که دوران افول و فرسایش است میزان گزاره‌های رهنمونی و راهکارها از گزاره‌های توصیفی و انتقادی بیشتری (دو محور نخست) بیشتر است. دوره‌ی دوم هم که حد واسطه دو دوره‌ی دیگر است، در آن میزان متوسطی از هر چهار نوع گزاره مشاهده می‌شود.

قابل ذکر است که بنابر حیات سه دوره‌ای ایدئولوژی‌ها در طول جنگ نرم یا همان مبارزه‌ی ایدئولوژیک، کتاب حاضر بر سه فصل تقسیم شده و فرایند تقابلی ایدئولوژی اصلاحات با ایدئولوژی دینی در سه فصل زیر بررسی شده

است:

۱. دوره‌ی تکوین و پیدایش ایدئولوژی اصلاحات که شامل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ می‌شود؛
۲. دوره‌ی بسط و گسترش ایدئولوژی اصلاحات که شامل سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ می‌شود؛
۳. دوره‌ی افول و فرسایش ایدئولوژی اصلاحات که شامل سال‌های ۱۳۸۴ به بعد می‌شود.